



مرکز آموزشهای نیمه حضوری و تخصصی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته مشاوره گرایش مدرسه

تعیین اثر بخشی آموزش به شیوه نظریه ی انتخاب گلاسر
برمیزان مسئولیت پذیری دانش آموزان دوره ی راهنمایی شهرستان گرگان

استاد راهنما :

آقای دکتر عبدالله شفیع آبادی

استاد مشاور :

آقای دکتر ابوالفضل کرمی

استاد داور :

آقای دکتر کیومرث فرح بخش

پژوهشگر :

صدیقه جلیلی

صلاة الاضلاع

به نام او که خداوند است؛

من که از اول نبودم، فقط او بود؛

و بعد مرا از رحمت خود برای بودن انتخاب نمود.

و من زندگی با عشق و مهربانی، قدردانی، اعتماد، احترام، پذیرش و گوش دادن به دیگران را انتخاب می‌کنم، علم
مشاوره، روایتی است که با آن به بهترین‌ترین رسیده‌ام و با آن پیچ و خم‌های راه زندگی را طی خواهم نمود.

«من و تو باید تغییر را از خود آغاز کنیم تا دنیا آن طور که زیباست، شود»

به نام خدا
شروع می‌شود
شروعی

آغاز

پایان

است

سپاس نثار

استاد عبدالله شفیق آبادی

فهم مارا افزود با مهربانی و زبان شفاف و روشنی که از او انتظار می رود.

سپاس نثار

استاد ابوالفضل کرمی

که همیشه در خدمت دانشجویان است و سهم زیادی در علاقه مندی من به نظریه می
انتخاب داشت.

سپاس نثار

استاد کیومرث فرج بخش

که رساله را به خوبی مطالعه و مرا از کمبودهای آن آگاه نمودند.

تقدیم شدہ پدر

کہ زبان استعارہ ہی من در برابر زبان پر رونق او، برشته می شود.

تقدیم شدہ مادر

کہ بہ من آزادی در انتخاب را آموخت، بی شک رسالہ برای او آغاز شد و بہ او ختم.

تقدیم شدہ

برادرم ہدایت و ہمسریش سہیلا

تشکر از زحمات بی دریغشان کہ در طول تحصیل، میر شہرستان تا منزل آنها را بسیار پیہودم

تقدیم شدہ پریسا

کہ در طول تحصیل ہموارہ یار و یاورم بود

و تقدیم شدہ

«او کہ از شدت حضور، پنهان است»

چکیده

پژوهش حاضر، به منظور تعیین اثربخشی آموزش به شیوه‌ی نظریه‌ی انتخاب گلاسر بر میزان مسئولیت-پذیری دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی شهرستان گرگان در سال تحصیلی 88-89 انجام گرفت. جامعه‌ی پژوهش شامل تمام دختران دانش‌آموز دوره‌ی راهنمایی مدارس شهرستان گرگان در سال 88-89 بود. نمونه‌گیری به صورت تصادفی صورت گرفت و از بین مدارس راهنمایی آن شهرستان دو مدرسه، که سعی شد که از نظر اجتماعی، اقتصادی یکسان باشند، انتخاب و از بین این تعداد، افرادی که نمرات پایین در مسئولیت‌پذیری (سه خرده‌آزمون انتخاب شده) گرفته بودند، از هر مدرسه 20 نفر انتخاب و به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و گواه تقسیم شدند، سپس گروه آزمایش در 9 جلسه‌ی 60 دقیقه‌ای در جلسات آموزشی به شیوه‌ی نظریه‌ی انتخاب گلاسر شرکت کردند، در جلسات آموزشی، افراد با شناخت و بررسی اهداف زندگی، شناخت نیازها، ارضای بهتر نیازها، پذیرفتن مسئولیت انتخاب‌ها، تقویت رفتار مسئولانه، رفتار کلی و... آشنا شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، آزمون مسئولیت‌پذیری هنجار شده‌ی (نعمتی، 1387) بود. پس از اجرای جلسات آموزشی از تمامی دو گروه آزمایش و گواه، پس از آزمون گرفته شد و داده‌ها توسط آزمون t مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتیجه‌ی پژوهش نشان داد که آموزش به شیوه‌ی نظریه‌ی انتخاب گلاسر بر افزایش میزان نظم‌پذیری، قانونمندی و پیشرفت‌گرایی دانش‌آموزان موثر است.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش

2.....	مقدمه
5.....	بیان مساله
8.....	اهمیت و ضرورت پژوهش
9.....	اهداف پژوهش
10.....	فرضیه‌های پژوهش
10.....	تعاریف نظری و عملیاتی
	فصل دوم: پیشینه‌ی پژوهش
13.....	تعاریف مسئولیت پذیری
16.....	مسئولیت پذیری و رشد اخلاق
20.....	مسئولیت پذیری و اعتماد به نفس
22.....	مسئولیت پذیری از دیدگاه گلاسر
23.....	عوامل موثر رشد در مسئولیت پذیری
24.....	مسئولیت پذیری و خانواده
26.....	مسئولیت پذیری و مدرسه
29.....	واقعیت درمانی
30.....	نیازهای انسان از نظر گلاسر
31.....	انواع نیازها
35.....	رفتار کلی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
36.....	نظریه‌ی انتخاب
39.....	دنیای کیفی
40.....	مراحل واقعیت درمانی
44.....	به کارگیری نظریه‌ی انتخاب در مدارس
45.....	پژوهش‌های انجام شده
فصل سوم: روش اجرای پژوهش	
50.....	طرح پژوهش
50.....	جامعه‌ی آماری
50.....	روش نمونه‌گیری
51.....	روش اجرای پژوهش
52.....	ابزار پژوهش
53.....	روش نمره‌گذاری
53.....	پایایی و روایی پرسشنامه
55.....	روش آماری
فصل چهارم: تجزیه و تحلیل اطلاعات	
57.....	تجزیه و تحلیل توصیفی
60.....	تجزیه و تحلیل استنباطی
60.....	بررسی فرضیه‌های پژوهش

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

67.....	خلاصه‌ی پژوهش
68.....	بحث و نتیجه گیری
73.....	محدودیت‌های پژوهشی
74.....	پیشنهادهای پژوهشی
75.....	منابع پژوهش

پیوست

فهرست جداول

صفحه	عنوان
50.....	جدول 1-3: جدول طرح پژوهشی
58.....	جدول 1-4: توزیع فراوانی گروه‌های مورد بررسی
جدول 2-4: شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی نمرات پیش‌آزمون خرده‌آزمون‌های	
58.....	مسئولیت‌پذیری در دو گروه آزمایش و گواه
جدول 3-4: شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی نمرات پس‌آزمون خرده‌آزمون‌های	
59.....	مسئولیت‌پذیری در دو گروه آزمایش و گواه
جدول 4-4: شاخص‌های آماری مربوط به نمرات خرده‌آزمون نظم‌پذیری در پیش‌آزمون و	
61.....	پس‌آزمون دو گروه آزمایش و گواه
62.....	جدول 5-4: آزمون لوین
جدول 6-4: نتایج آزمون t برای مقایسه‌ی میانگین‌های اختلاف نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون	
62.....	خرده‌آزمون نظم‌پذیری در دو گروه آزمایش و گواه
جدول 7-4: شاخص‌های آماری نمرات خرده‌آزمون قانون‌مندی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو	
63.....	گروه آزمایش و گواه
جدول 8-4: نتایج آزمون t برای مقایسه‌ی میانگین‌های اختلاف نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون خرده	
63.....	آزمون قانون‌مندی در گروه آزمایش و گواه
جدول 9-4: شاخص‌های آماری نمرات خرده‌آزمون پیشرفت‌گرایی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو	
64.....	گروه آزمایش و گواه
جدول 10-4: نتایج آزمون t برای مقایسه‌ی میانگین‌های اختلاف نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون	
64.....	خرده‌آزمون پیشرفت‌گرایی در دو گروه آزمایش و گواه

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
59	نمودار 1-4: مقایسه‌ی میانگین‌های نمرات پیش آزمون سه خرده آزمون مسئولیت‌پذیری در دو گروه آزمایش و گواه
60	نمودار 2-4: مقایسه‌ی میانگین‌های نمرات پس آزمون سه خرده آزمون مسئولیت‌پذیری در دو گروه آزمایش و گواه

فصل اول

کلیات

مقدمه

امروزه زندگی اجتماعی مستلزم رعایت حقوق دیگران، کمک به نیازمندان، تحمل سایرین است، یعنی هر کس باید یاد بگیرد با همراهی دیگران در محیط‌های جمعی و با رعایت قانون‌های اجتماعی به زندگی خویش ادامه دهد، لازمه‌ی این امر، درک حقوق شخصی و اجتماعی افراد جامعه است، این معنای مسئولیت‌پذیری¹ اجتماعی است (سبحانی نژاد، 1379).

مهارت‌ها مجموعه‌ای از پاسخ‌های لازم را فراهم می‌کند تا بدان وسیله فرد بتواند به طور موثر زندگی کند، بیاموزد و کار کند. مسئولیت‌پذیری یک مهارت اجتماعی است که نقش آن در زندگی اجتماعی و شخصی، از جمله مباحث مورد توجه دانشمندان و بخصوص روان‌شناسان بوده است (صفوی‌زاده و شیران، به نقل از نعمتی، 1387).

نعمتی (1387)، نظم‌پذیری، قانون‌مندی و پیشرفت‌گرایی را سه عامل از عوامل مسئولیت‌پذیری می‌داند که عبارتند از: نظم‌پذیری: دقت و مراقبت در استفاده از وسایل و جایگزینی صحیح آنها، داشتن آمادگی لازم قبل از انجام کار، تمیز و مرتب بودن در امور و رعایت بهداشت.

قانون‌مندی: تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قوانین گروهی، احساس التزام عمل در موقعیت‌های گوناگون، تقید نسبت به دیگران و رعایت حقوق آنها.

پیشرفت‌گرایی: آگاهی و میل به بهتر شدن، رسیدن به یک هدف یا دستیابی به درجه معینی از شایستگی در کار است.

درباره‌ی مسئولیت و رابطه‌ی آن با زندگی، گلاسر² معتقد است که ناخشنودی و افسردگی، نتیجه‌ی عدم احساس مسئولیت است. فرد غیر مسئول نه برای خود و نه برای دیگران ارزش قائل است در نتیجه خود و دیگران را آزرده می‌کند (شفیع‌آبادی و ناصری، 1385).

1. Responsibility

2. Glasser, W

به نظر گلاسر، برنامه های انضباطی که دانش آموزان را با حربه ی زور منضبط می کنند، زمینه ساز بروز مشکلات می شوند، نافرمانی یا مقاومت کردن در برابر کاری که دوست نداریم انجام دهیم، طبیعی و معقول است. این مشکلات با تعلیم و تربیت ملموس، رد نکردن، دلسوزی، بردباری و فرصت دادن مجدد برای شروع حل می شود، هر برنامه ای که به جای تغییر نظام بر تغییر دانش آموز متمرکز باشد، برنامه ای مبتنی بر نظریه ی انتخاب نیست (گلاسر، 1998؛ ترجمه ی فیروز بخت، 1384).

گلاسر مسئولیت را به عنوان توانایی فرد برای تامین نیازهایش تعریف می کند که این کار به گونه ای صورت می گیرد که در عین حال دیگران را از ارضای نیازهایشان محروم نمی کند (شیلینگ، ترجمه ی آرین، 1384).

اگر به دانش آموزان، آموزشی داده شود که بتوانند از آن استفاده کنند بسیاری از دانش آموزان به یادگیری علاقه مند خواهند شد. دانش آموزان زیادی که ارزش آموخته های خود را نمی دانند، تکالیف درسی و معلمان را از دنیای کیفی خود خارج کرده و ترک تحصیل می کنند. رد شدن در امتحانات همانا و راهی شدن به زندان، همانا. آنهایی هم که رد نمی شوند اگر در مدرسه بمانند به دلیل علاقه ی مشترکشان به بی نظمی، خشونت، سرپیچی از قوانین و . . . به یکدیگر ملحق می شوند، خود آنان این رفتارها را انتخاب می کنند زیرا برای آنها، لذت به ارمغان می آورد (گلاسر، 1998؛ ترجمه ی فیروز بخت، 1384).

دانش آموزانی که مسئولیت پذیری را در مدرسه آموخته اند، یاد می گیرند که چگونه در یک موقعیت بزرگتر برای حل مشکل به راه های کمک به یکدیگر بیاندیشند و یا لاقبل با آن دست و پنجه نرم کنند، نظام آموزشی باید دانش آموزان را با یکدیگر مرتبط سازد، تا فکر کردن و حل مشکل را یاد بگیرند و به این ترتیب در اجتماع فرد مسئولی بار بیابند (گلاسر، ترجمه ی حمزه، 1384).

به نظر گلاسر، دلیل اصلی عدم علاقه به پیشرفت در دانش آموزان و این که بسیاری از دانش آموزان عملکرد تحصیلی بدی دارند و حتی دانش آموزان خوب هم، حداکثر تلاش خود را نمی کنند این است که مدارس، عمدتاً تحت تاثیر حمایت هیئت مدیره ها، سیاستمدار ها و والدینی که همگی پیرو روانشناسی کنترل بیرونی هستند، می باشد که سخت معتقدند آنچه در مدارس، آموزش داده می شود درست است و کسانی که یاد نمی گیرند باید تنبیه شوند (گلاسر، 1998؛ ترجمه ی فیروز بخت، 1384).

گلاسر معتقد است که مشکل انسان ها و ناهنجاری های آنها از مسئولیت پذیرفتن است. زیرا آنها نمی توانند نیازهای اساسی خود را بر اساس وضعیت صحیح و انسان دوستانه ارضا کنند (گلاسر، 1967). به نظر گلاسر هر چیزی که دوست داریم و برایمان ارزشمند است در دنیای کیفی ما وجود دارد، دانش آموزان در حالت ایده آل، معلمان، همکلاسی هایشان را در دنیای کیفی خود دارند. وجود معلم در دنیای کیفی دانش آموز ضمانتی برای ادامه ی رفتارهای مثبت کلاسی است، در حالی که استفاده از داروها، و رفتارهای مخرب و ... یک اختلال کارکرد در دنیای کیفی است (اپستین¹، 2004). با توجه به مباحث بیان شده، مسئولیت پذیری در روند صحیح رشد انسان ها پدید می آید و اگر والدین و مربیان فرزندان، مسئولیت پذیر باشند و بتوانند کارها را به خوبی انجام دهند، بچه ها هم این رفتار را سرمشق خود قرار می دهند و این مهم ترین عاملی است که به مسئولیت پذیری آنان کمک می کند (رفعتیان، 1387).

گلاسر (1998) در توضیح نظریه ی انتخاب می گوید خود ما هستیم که تمام اعمالمان از جمله احساس بدبختی مان را انتخاب می کنیم، دیگران نه می توانند ما را بدبخت کنند و نه خوشبخت. تمام

1 . Epstein, J

چیزی که از دیگران می‌توانیم بگیریم و به دیگران بدهیم، اطلاعات است (گلاسر، 1998؛ ترجمه‌ی فیروزبخت، 1384).

با توجه به مباحث بیان شده، نظریه‌ی انتخاب در مدارس کیفی که معلمان و مدیرانی دارند که مدیریتشان کیفی است، آموزش داده می‌شود، امروزه در بعضی از مدارس برخی از کشورها از این شیوه‌ی آموزش استفاده شده و می‌شود و دکتر گلاسر نیز در این زمینه تلاش‌های فراوانی نموده است. به نظر می‌رسد می‌توان نظریه‌ی انتخاب را برای افزایش میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان به کار برد، بنابراین این پژوهش، تاثیر آموزش به شیوه‌ی نظریه‌ی انتخاب گلاسر بر میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار می‌دهد. در نتیجه یافته‌های این پژوهش می‌تواند گامی در جهت حل یکی از مشکلات مهم نوجوانان باشد.

بیان مساله

بر اساس یافته‌های پژوهشی سازمان ملی جوانان، در طیف سنی 18 تا 29 سال، نیمی از جوانان ما هویت محکم شغلی ندارند و بسیاری از آنان در درجات بسیار ضعیف مسئولیت‌پذیری قرار دارند (لطف‌آبادی، به نقل از نعمتی، 1387).

گلن¹ معتقد است احساس مسئولیت، نوعی احساس عملی در به کارگیری توانایی‌ها و کوشش برای تطابق و سازگاری با مردم و عدم تطابق با آن، قانون‌شکنی، نپذیرفتن مسئولیت و وظیفه است (قربانی واقعی، 1384).

از نظر فورد²، رابطه‌ی بین مسئولیت‌پذیری و قانون‌مندی این است که: مسئولیت‌پذیری پیروی از قوانین اجتماعی و برآورده ساختن انتظارات جامعه از فرد است، این قوانین متاثر از نقش‌های اجتماعی است (قربانی واقعی، 1384).

1 . Glenn
2 . Ford

از نظر گلاسر، وقتی دانش آموز، ارزش مفاهیمی را که به او آموخته می شود، درک نمی کند، و این آموزش ها در زندگی واقعی او به کار نمی آیند به تحصیل بی علاقه شده و تکالیف و معلمان را از دنیای کیفی خود خارج می کند، عدم علاقه به تحصیل باعث می شود تا او به گروه دانش آموزانی که به بی نظمی، خشونت و سرپیچی از قوانین علاقه دارند بپیوندد (گلاسر، 1998؛ ترجمه ی فیروز بخت، 1384).

بر اساس نظر لوینسون¹، نیز رفتارهای ناشایست نوجوانان رو به افزایش است. وی علت را بی توجهی به مسئولیت شخصی و آموزش کمی می داند که برای بهبود مهارت های اجتماعی دریافت می دارند (نعمتی، 1387).

وقتی جو تفکر و اندیشه، مباحثه و حل مسئله که می تواند سریع برقرار شود، به وجود آید، موقعیت هایی که معمولاً باعث به هم ریختن نظم کلاس و آشوب هستند به نحوه ی موثر و سازنده می تواند در خود کلاس، مهار شده و آرام گردد، و بچه ها یاد می گیرند مشکلات دنیای خویش را حل کنند، چهارچوب انضباط در مدرسه باید بر اساس جلسه ی کلاسی استوار باشد، بچه ها باید خودشان راهی را انتخاب و نقشه ای را طرح کنند و مسئولیت آن را پذیرفته و برای حل مشکل از طریق بحث کردن و طرح ریزی تشویق شوند. هر چه زمان بگذرد، مشکلات انضباطی رفته رفته کاهش پیدا می کند تا حدی که از فراوانی جلسه های کلاسی درباره اختلالات رفتاری به مقدار زیادی کاسته می شود (گلاسر، ترجمه ی حمزه، 1384).

گلاسر معتقد است اگر ما بتوانیم به دانش آموزان احساس قدرت و مهم بودن و کنترل بدهیم، آنها در مدرسه بهتر عمل کرده و نهایت تلاش خود را برای پیشرفت خواهند کرد. گلاسر معتقد است اگر از دانش آموزان پرسیده شود که در کدام یک از جنبه های مدرسه احساس مهم بودن می کنند، آنها

1 . Levinson, J

به طور منفی پاسخ خواهند داد. در هر حال اگر بخواهیم مردم بهتر کار انجام دهند، باید فرصت‌های بهتری برای احساس مهم بودن و حق انتخاب در آنها فراهم آوریم (پترسون¹، 2000).

گلاسر در نظریه‌ی انتخاب خود معتقد است که ما تنها کسی هستیم که می‌توانیم رفتار خود را کنترل کنیم، و تنها روشی که به وسیله‌ی آن می‌توانیم وقایع محیطی را تحت کنترل در آوریم، انتخاب رفتار و اعمالمان می‌باشد. ما قربانی دیگران و یا گذشته نیستیم مگر این که خود این گونه انتخاب کنیم (کوری²، 1937؛ ترجمه‌ی عسگری، خدابخشی، دارینی و عسگری، 1387).

اگر نظام مدارس را به نظام مبتنی بر نظریه‌ی انتخاب تبدیل کنیم، در این صورت تمام دانش‌آموزان یادگیری را دوست خواهند داشت و مدرسه نیز در دنیای کیفی آنها جای خواهد گرفت (گلاسر، 1998؛ ترجمه‌ی فیروزبخت، 1384).

با توجه به مباحث بیان شده، نظم‌پذیری، قانون‌مندی، پیشرفت‌گرایی که از مولفه‌های مسئولیت‌پذیری به شمار می‌روند همواره از مهمترین مسائل نظامهای آموزشی بوده و برای مربیان و پژوهشگران، چالش‌انگیز بوده و به صورت یک مشکل مطرح است، اما علی‌رغم ضرورت آموزش این مولفه‌ها، متأسفانه آن گونه که باید در جهت شناخت و آموزش آنها در بین مقاطعی مانند راهنمایی به طور جدی تلاشی صورت نگرفته است، از آنجا که نظریه‌ی انتخاب گلاسر بر انتخاب اعمال توسط خود فرد، طرح‌ریزی برای رفتاری موثرتر برای خود فرد و دیگران و تعهد به طرح و برنامه‌ی خود و پذیرفتن مسئولیت انتخاب‌ها، برآوردن نیازهای اساسی بدون آسیب رساندن به دیگران و اینکه افراد با انتخاب، بهتر عمل می‌کنند، تأکید می‌کند و همچنین تجربه‌های موفقیت‌آمیز آموزش این نظریه در کاهش بی‌نظمی، سرپیچی از قوانین و بزه‌کاری و افزایش پیشرفت‌گرایی توسط ویلیام گلاسر، بنیان‌گذار این نظریه و پیروان او، باعث انتخاب موضوع تعیین اثربخشی آموزش به شیوه‌ی نظریه‌ی انتخاب گلاسر بر میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان از نظر مولفه‌های نظم‌پذیری، قانون‌مندی و پیشرفت

1 . Peterson, A

2 . Corey, J

گرایی بوده است. حال این سوال مطرح است که آیا با آموزش به شیوه ی نظریه ی انتخاب گلاسر(واقعیت، مسئولیت، امور درست و نادرست، کنترل درونی، شناخت نیازها، شناخت الگوهای مناسب رفتاری و ...) می توان بر میزان مسئولیت پذیری دانش آموزان از نظر نظم پذیری، قانون مندی و پیشرفت گرایی افزود؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

دانش آموزانی که اغلب شکست خورده‌اند و رفتارهای نامطلوب و بی‌نظمی نشان می‌دهند به این باور رسیده‌اند که اغلب هر کاری غیر ممکن است، مدیریت این گروه ممکن است بسیار دشوار باشد، مگر این که به آنها کمک شود حتی الامکان به سطح قابل قبولی از خودکنترلی برسند و تشویق شوند تا مسئولیت انتخاب‌ها و عملکردهای خود را بپذیرند (پارسونز و همکاران، به نقل از نعمتی، 1387).

بنابر نظر گلاسر همه‌ی مدارس باید قسمتی از برنامه‌ی خود را به آموزش حس مسئولیت‌پذیری اختصاص دهند اگر نه بسیاری از کودکان نخواهند توانست به هویت موفق دست یابند (گلاسر، ترجمه‌ی حمزه، 1384)

دانش آموزان حداکثر تلاش خود را در مدرسه برای پیشرفت و بهتر شدن انجام نمی‌دهند. در مدارس کیفی چیزی که دانش آموزان نیاز دارند از مدرسه به دست آورند. اعتماد بنا شده بر روی تجربیات شخصی است. معلمان باید تدریس خود را بر اساس احترام به علایق دانش آموزان انجام دهند (گلاسر، 1993).

به نظر گلاسر (1984) دانش آموزان معمولاً در مدرسی که حق انتخاب دارند سخت‌تر کار می‌کنند بهتر کار انجام می‌دهند. والدین، معلمان و مدیران، آسوده‌تر خواهند بود اگر در عوض گفتن به بچه که چه کاری انجام دهد، حق انتخاب به بچه بدهند. هنگامی که پرسیده شود، چه می‌خواهید انجام دهید، افراد با انتخاب بهتر عمل می‌کنند (پترسون، 2000).

معلمان دوره‌ی راهنمایی تاکید بیشتری بر کنترل از سوی معلم و اعمال انضباط دارند و امکانات محدودی برای انتخاب فراهم می‌آورند اما نوجوانان از نظر رشدی تمایل دارند به سوی استقلال گام بردارند، و اغلب با موضوع‌های درسی احساس بیگانگی می‌کنند (نعمتی، 1387).